**ایجاد فرهنگستان فرانسه**

**تقفی اغراز، حسین**

بنیادگذاری فرهنگستان فرانسه‏ یکی از اقدامات قابل توجه دوران سلطنت‏ لوئی سیزدهم است که بدست وزیر او ریشیلیو صورت گرفت.این اقدامات مصادف‏ با کشمکشی بود که در خارج بین ریشیلو و دربار اطریش جریان داشت و در داخل‏ بین او و اشرافیت فرانسه که می‏کوشیدند تا قدرت را از دست وی بگیرند؛در این گیر و داد بود که ریشیلیو به فکر افتاد که جامعهء ادبی‏ای بنیاد دهد تا بر امور ذوقی در فرانسه نظارت کند.نویسندهء تاریخ چهل کرسی،ایجاد این مؤسسه را که‏ می‏بایست بعدا بسیار نام‏آور گردد،چنین وصف کرده است:

«نزدیک سال 1629 چند ادیب که باهم دوست بودند،تصمیم گرفتند که یکبار در هفته‏ گرد هم جمع شوند،تا بطور دوستانه دربارهء مسائل کلی،اخبار،ادبیات و غیره باهم گفتگو کنند. اینان عبارت بودند از:گودو،گومبولد،شاپلن،هوبر،آبه دوسریزای،برادرش کونرادسریزای، مالویل،ژیری‏1.خانهء کونراد،چون از حیث محل مناسبتر از خانه‏های دیگر بود،بعنوان‏ مرکز اجتماع انتخاب گردید.اینان،در این خانه جمع می‏شدند و با صراحت همدیگر را در جریان آثار خود و یا طرح‏هائی که برای ایجاد آثار داشتند،می‏گذاشتند؛با همدیگر شور می‏کردند و نظرهایشان مبتنی بر حسن ذوق و حسن نیت بود،بدآنگونه که گفتگویشان بهمان‏ اندازه که با لطف بود،سودمند نیز بود.این اجتماع سالها دوام یافت بی‏آنکه موجودیت آن‏ افشاء گردد،زیرا از اول اعضاء آن با خود قرار گذارده بودند که در آن باره با کسی حرفی نزنند. اما سرانحام،کاردینال دوریشیلیو به وجود آن پی برد.این مرد روشن ضمیر،بیدرنگ متوجه‏ شد که ایجاد یک جامعهء ادبی تا چه اندازه می‏تواند به تنویر روح ملت کمک کند.بنظر او چنین‏ آمد که این مجمع می‏تواند هستهء مرکزی‏ای برای جامعه‏ای که منظور او بود واقع شود و از دوستان کونرار درخواست تا رضایت بدهند که جنبهء رسمی به انجمن آنان داده شود و مجمع،بطور کلی و هریک از آنان جداجدا،تحت حمایت شخص او قرار گیرند.

(1)- GudeauṣGombuldṣChapelainṣHubertṣL?abbe?deSerisy?Conrard SerisyṣMallevillṣGiry.

چنین بنظر می‏رسید که یک چنین پیشنهادی از جانب وزیر مقتدری چون ریشیلیو،باشوق و ذوق اعضاء انجمن روبرو گردد؛ولی،برعکس یک‏یک آنان عدم علاقهء خود را نسبت به این تقاضا ابراز داشتند و متأسف بودند که در صورت قبول حمایت دولت،لطف خودمانی مجمع کوچک آنان‏ مشوش خواهد شد؛نخست،تقاضای ریشیلیو را رد کردند،ولی سرانجام از ترس اینکه مبادا مورد خشم او قرار گیرند،بقبول آن تن دادند.بدینگونه مجمع آنان که تا آنروز درواقع جنبهء اتفاقی و گذرنده داشت،از ثبات و رسیمت برخوردار شد.

نخستین اقدام انجمن این بود که بر تعداد اعضاء خود بیفزاید،دومین اقدامش این بود که دفتری برای خود تأسیس کند،این دفتر شامل سه عضو بود:یک رئیس و یک مهردار که‏ بقید قرعه منصوب شدند و یک دبیر دائمی که با رأی مجمع انتخاب گردید.برحسب قرعه سریزای‏ رئیس و دیماره‏1مهردار شدند و کونرار باتفاق آراء،بعنوان دبیر انتخاب گردید.دبیر،شروع‏ به کار کرد و دفتر انجمن 13 مارس 1634 گشوده شد.

نخست خواستند نامی برای مجمع خود بیابند؛نامهائی پیشنهاد شد،چون آکادمی‏ صنایع مستظرقه،آکادمی فصاحت،آکادمی منیع(زیرا از حمایت کاردینال برخوردار بود)و سرانجام کمال ذوق بخرج دادند و بنام ساده اکادمی فرانسه قناعت کردند که از همه‏ نامهای دیگر جامع‏تر و به هدف مجمع که عبارت بود از پیش بردن زبان فرانسه بسوی کمال نزدیکتر بود. هدف فرهنگستان بطور خلاصه این بود:نخست تهیهء لغت‏نامه و دستور زبانی بزرگ و دقیق‏ که جملات و عبارات زمان را تحت قاعده درآورد و آنرا زینت بخشد،سپس تهیهء کتابهائی دربارهء علم معانی و بیان و نقد الشعر،تا کسانی را که می‏خواهند شعر یا نثر در این زبان بنویسند،بکار آید.» چون نامگذاری اکادمی انجام شد،می‏بایست فرمانی برای آن صادر گردد و اساسنامه‏ای‏ برایش تنظیم گردد.کونرار،چون هم دبیر آکادمی بود و هم منشی پادشاه،مأمور تهیهء متن فرمان‏ شد:و دربارهء تهیهء اساسنامه،چند تن از اعضاء،جداجدا بکار پرداختند.پس از آنکه مطالب‏ تهیه شده حک و اصلاح گردید اساسنامه بنظر ریشیلیو رسانیده شد و تنها یک مادهء اساسنامه از طرف او حذف شد و آن مادهء پنجم بود باین عبارت«هریک از اعضاء متعهد است که نسبت به فضیلت و خاطرهء عالیجناب،حامی اکادمی،قدرشناسی نماید»اکادمی،از نظر از اطاعت از ارادهء ریشیلیو،این ماده‏ را حذف کرد،ولی تصمیم گرفت که از نظر قدرشناسی،آنرا در دفتر اکادمی نقل کند.

این بود نحوهء ایجاد این مؤسسه باشکوه که طی سه قرن،اگر از چند استثناء صرفنظر کنیم، می‏توانیم گفت که بزرگترین نویسندگان کشور ما را در خود گرد آورده است.اعضاء آن چهل تن‏ هستند که همدیگر را بقید رأی انتخاب می‏کنند.هرعضوی که پذیرفته شد؛خطابهء ورودیه‏ای‏ می‏خواند و رئیس آکادمی باو جوابی می‏دهد.این مؤسسه؛لغتنامه‏ای منتشر می‏کند:جوائز سالانه‏ای اعطا می‏نماید و تاریخچه‏اش شاید یکی از برجسته‏ترین فصول تاریخ جامعهء فرانسه است. از تحولاتی‏که از زمان ریشیلیو تا لوی چهاردهم برآن حادث شده.بدنیست یادآوری شود که‏ یکی از نخستین کارهای آکادمی این بود که نمایشنامهء سید Cid شاهکار پی‏یر کورنی را سانسور کند، و این بمنظور آن بود که حامی مقتدر خود ریشیلیو را از خود خشنود سازد.اما عامه،این تصمیم را تأیید نکرد.این چند شعر زیبای بوالو Boilcau را هم در خاطر دارند:

یک وزیر؛بیهوده بر ضد سید دسته‏بندی کرده.

همهء مردم پاریس؛شیمن‏1را بهمان چشم می‏نگرند که ردریگ می‏نگریست.

آکادمی؛باتفاق آراء؛بی‏نتیجه این نمایشنامه را سانسور کرده

تماشاگران عصیان‏زده؛بتحسین آن اصرار می‏ورزند.

(1)-شیمن در نمایشنامهء سید معشوق ردیگ است.